



اندیشکده حرف



دانشگاه صنعتی حریف
پژوهشکده سیاستگذاری

« طرح خلاصه کتاب »

نام کتاب: تحلیل فرهنگی صنعت

نویسنده: محمدامین قانع‌راد



نویسنده طرح خلاصه: زهرا اکبری، پژوهشگر اندیشکده فرهنگ و صنایع خلاق - پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه

صنعتی شریف

مقدمه

فرآیند تحلیل توسعه صنعتی در ایران، همواره در کاربست فرهنگ یا در ابعاد وسیع‌تر آن، سیاست فرهنگی، ناکام بوده است. با تکیه بر مرور تجربه تاریخی کشور می‌توان گفت، غفلت روشنفکران، پژوهشگران و سیاستگذاران نسبت به بعد فرهنگی صنعت موجب شده است تا تبیین تام و همه‌جانبه‌ای از شرایط صنعتی ایران صورت نگیرد. فرآیندهای تولید و مصرف صنعتی برای هویت فرهنگی، به گونه‌ای تهدیدآمیز تلقی می‌شود و غلبه این باور در دستگاه اندیشه صنعتی کشور، زمینه تحقق توسعه صنعتی را با مانع مواجه کرده است. این در حالی‌ست که سخن راندن از صنعت و فناوری از یک سو، ارزش‌های مادی، اقتصادی و فنی و از سویی دیگر، مفاهیم وسیع و انسان‌شناسانه‌ای چون سبک زندگی، ارزش‌های ذوقی، زیبایی‌شناختی، عناصر معنایی و نمادین را در برمی‌گیرد. در چنین نگرشی، نه‌تنها تعارضی میان منطق هویتی و منطق ابزاری صنعت وجود ندارد، بلکه از گرفتار شدن در دام تقلیل‌گرایی شناختی جلوگیری کرده و در ابعاد وسیع‌تر، تعادلی میان ویژگی‌های کالایی و فنی صنعت و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ عمومی برقرار می‌کند.

کتاب «تحلیل فرهنگی صنعت» بر مؤلفه فرهنگی پدیده‌های صنعتی در کنار چارچوب‌ها و تحلیل‌های اقتصادی تأکید ویژه دارد. نویسنده کتاب حاضر، پیوند بین دو مقوله صنعت و فرهنگ را در یک چارچوب تاریخی و با توجه به شرایط ایران بررسی کرده است. این اثر، توسط گروه صنعت و فرهنگ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سال ۱۳۸۸ منتشر شد و در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات آگاه به چاپ دوم رسید. جنبه نظری، مفهومی و تجربی برای تحلیل فرهنگی صنعت در این اثر، مقدماتی برای خواننده فراهم می‌آورد تا بتواند به شناختی از وضعیت صنعتی کشور و چالش‌های فرهنگی موجود در آن، نائل آید.

نویسنده کتاب کیست؟



سید محمدامین قانعی‌راد: جامعه‌شناس

دکتر سید محمدامین قانعی‌راد (۱۳۹۷-۱۳۳۴)، جامعه‌شناس، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و گروه جامعه‌شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور بودند. بیش از ۲۸ عنوان کتاب در قالب تألیف، ترجمه و تصحیح در کارنامه علمی و تخصصی ایشان به چشم می‌خورد. دکتر قانعی‌راد در رساله دکتری خود به واکاوی تاریخ اجتماعی علم در ایران و رابطه آن با روح فرهنگ ایرانی پرداختند. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی ایشان شامل جامعه‌شناسی حوزه عمومی، جامعه‌شناسی مردم‌مدار،

جامعه‌شناسی علم، سیاست‌گذاری علمی و فرهنگ است. ایشان، علاوه بر پژوهش‌های پیشرو در حوزه جامعه‌شناسی علم ایران در دو دوره مدیریت انجمن جامعه‌شناسی ایران، موفق شدند نقش مؤثری در توسعه جامعه‌شناسی مردم‌مدار در پیوند با حوزه عمومی و مسائل اجتماعی ایفا کنند.

تلخیص ایده‌های اصلی کتاب بر مبنای فصول آن

تأملات و تتبعات نویسنده در هشت فصل کتاب گردآوری شده است که به همراه ایده‌های اصلی هر فصل در جدول زیر مشاهده می‌شود:

نام فصل	ایده (های) مرکزی
رویکردهای نظری برای تحلیل فرهنگی صنعت	پیوند صنعت با سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست، ابعاد و قلمروهای مفهومی و شناختی متنوعی را پیش رو قرار می‌دهد. رویکردهای جامعه‌شناختی، نظریه انتقادی، مطالعات فرهنگی، اقتصاد خلاق، اقتصاد سیاسی، اقتصاد نهادگرا و جامعه‌شناسی اقتصادی هر کدام به انحاء گوناگون به توصیف و تشریح الگوهای نظری ارتباط صنعت با عرصه‌های مذکور پرداخته‌اند.
مدل‌های توسعه و مصرف مصنوعات فناورانه	می‌توان سه مدل برای توسعه و مصرف مصنوعات فناورانه متصور بود: ۱. مدل‌های ماده‌گرایانه (تأکید بر توسعه مستقلانه فناورانه و تعیین‌گرایی فناورانه)، ۲. مدل‌های شناختی (تمرکز بر نقش حل مسئله با استفاده از دانش فناورانه در توسعه صنعتی)، ۳. مدل‌های شکل‌گیری اجتماعی: (تأکید بر شکل‌گیری اجتماعی فناوری و کاربرد و مصرف مصنوعات توسط گروه‌های اجتماعی).
تصاویر فرهنگی از فناوری	تصویر مردم از فناوری چیست؟ مردم از لحاظ فرهنگی چه اندیشه‌ها و ارزش‌هایی را به پدیده‌های فناورانه منسوب می‌کنند؟ این تصویرهای فرهنگی اغلب در کلیت‌های تک‌بعدی صورت‌بندی می‌شوند.
بعد فرهنگی توسعه صنعتی	هر رویداد اقتصادی، پدیده‌ای فرهنگی و هر رویداد فرهنگی، پدیده‌ای اجتماعی و اقتصادی است. وجود رابطه بین عناصر فرهنگی و توسعه صنعتی را می‌توان از رهگذر تحلیل رابطه بین صنعت با فرهنگ عمومی، دین، هنر، ادبیات، آموزش و دانش، مورد ارزیابی قرار داد.
صنعت، فرهنگ و سیاست	کارگزاران صنعتی با انواع هویت‌ها و ضدهویت‌ها یا با انواع فرهنگ‌ها و ضدفرهنگ‌ها به تولید انواع قدرت‌ها و مقاومت‌ها می‌پردازند. سیاست‌های فرهنگی، رابطه بین فرهنگ و سیاست را بیان می‌کند. در ایران مقولات نفت، ویدئو، ماهواره، مد، لباس، آرایش و اخیراً فناوری هسته‌ای با فرهنگ سیاسی پیوند دارند.
ریشه‌گیری فرهنگی و استقلال نهادی صنعت	با بررسی مطالعه ماکس وبر در مورد ریشه‌های فرهنگی سرمایه‌داری نوین و دیگر اندیشمندان، منطق نهادهای اقتصادی و صنعتی و رابطه بین فرهنگ و صنعت را می‌توان در سه مرحله صورت‌بندی کرد: ۱. ریشه‌گیری (اثرپذیری فعالیت صنعتی یا فناورانه از عناصر فرهنگی)، ۲. استقلال (استقلال فرهنگ صنعتی از زمینه‌های اولیه فرهنگی خود و بازتولید در قلمروی درونی خود)، ۳. انتقال (اثر عناصر وابسته به فرهنگ صنعتی و قلمروهای اقتصادی و فنی بر فرهنگ عمومی).
تداوم میراث فرهنگی در جهان صنعتی	در ایران بین کانون‌های فناورانه و میراث فرهنگی، تعامل‌های هستی‌شناختی وجود ندارد، صنعت جدید از دل میراث ما بیرون نیامده است و سازگاری خلاق و پویای میراث برای توسعه صنعت رخ نمی‌دهد.

مساله چیست؟ این کتاب به چه کار می‌آید؟

مساله مرکزی پرداخته شده در این کتاب، وجود رویکرد کالایی به توسعه صنعتی در ایران است. ورود هر صنعت و فناوری جدید به ایران نه به مثابه پدیده‌ای زنده و در پیوند وثیق با بافت فرهنگی، بلکه به عنوان عنصری منفک از حیات اجتماعی با مقاومت اولیه و واکنش منفی نخبگان جامعه، مردم و سیاستگذاران مواجه بوده است. اسناد تاریخی متعددی بر این حیرت و اضطراب فرهنگی صحنه گذاشته‌اند و بخش مهمی از ناکامی در پیشبرد پروژه صنعتی کردن کشور را ناشی از فقدان همگرایی لازم بین صنعت و فرهنگ، دانسته‌اند. کتاب حاضر در قالب یک چارچوب تجربی-تحلیلی، نیاز جامعه به ایجاد رویکرد همگرایی خلاق بین فرهنگ و صنعت را برجسته می‌کند و در تلاش برای فائق آمدن بر شکاف فرهنگی موجود بین این دو مقوله است. نگاه به صنعت از موضع فرهنگ و تبیین پیامدهای فرهنگی توسعه صنعتی، دو محور جدایی‌ناپذیر در عرصه سیاستگذاری است. از این‌رو، مطالعه موضوعات زیر به **گسترش تحلیل فرهنگی صنعت** کمک می‌کند:

- بازتاب مسائل صنعتی در تولیدات فرهنگی (ادبیات، هنر، سینما و...)
- صنعت، فناوری و نخبگان فرهنگی
- خرده‌فرهنگ‌های مصرف صنعتی زنان و جوانان
- خرده‌فرهنگ‌های ملی، قومی-محلی و جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی
- صنایع ظاهرآرایی و زیبایی در ایران
- شناخت معانی و کارکردهای فرهنگی صنعت دانش
- تدوین «تاریخ فرهنگی صنعت» و «جامعه‌شناسی صنعت فرهنگ» در ایران
- فرهنگ، خلاقیت و نوآوری صنعتی و فناورانه
- فرهنگ و فناوری‌های نو

محدودیت‌های کتاب: این کتاب به چه کار نمی‌آید؟

کتاب «تحلیل فرهنگی صنعت»، تلاش ارزشمندی در جهت پر کردن خلاء تأملات مفهومی و نظری در زمینه مطالعات مربوط به توسعه صنعتی است و از رویکرد خلاقانه‌ای برای ایجاد همگرایی بین صنعت و فرهنگ بهره می‌برد. با این وجود، مانند هر اثر دیگری، دارای محدودیت‌هایی است که در ادامه به دو مورد آن اشاره می‌شود:

- نسبت بین مدل‌های نظری (به ویژه در فصل یک) با مسئله اصلی کتاب برقرار نشده است. مدعای نویسنده بر این پایه است که وضعیت صنعتی یک جامعه را باید در ابعاد و قلمروهای مفهومی گوناگونی اعم از رویکردهای جامعه‌شناختی و اقتصادی بررسی کرد. اما بهره‌گیری از مفاهیم نظری برای تبیین صنعتی شدن در ایران وابسته به

بستر فرهنگی در عمل ممکن نشده است؛ یا دست کم، نسبت ضعیفی بین نظریه‌ها و کاربرد آن در جهت تحلیل فرهنگی صنعت در ایران برقرار است.

- از دیگر محدودیت‌های کتاب می‌توان به فقدان فصل یا عنوانی سازمان‌یافته از مباحث مربوط به سیاستگذاری فرهنگی اشاره کرد. در بخش پایانی و به منظور بهبود و اصلاح سیاستگذاری فرهنگی، راهکارهای سازگار با تحلیل فرهنگی صنعت در ایران به اختصار بیان شده است. اما بدون زمینه‌سازی مفهومی و شرح طی مسیر سیاستگذاری فرهنگی به ویژه در چند سال اخیر، نمی‌توان به تصویر کاملی از اقدامات سیاستی نهادها به ویژه دولت برای پاسخگویی فرهنگی به مسائل توسعه صنعتی در کشور، دست یافت.